

## راه اگر نزدیک تر داری، بگو

صراط مستقیم در بیان علامه طباطبائی، نزدیک‌ترین مسیر به سوی معبود است ...



صراط مستقیم در بیان علامه طباطبائی، نزدیک‌ترین مسیر به سوی معبود است

راه اگر نزدیک تر داری، بگو

جام جم آنلاین: علامه طباطبائی در «#171؛ تفسیر المیزان»؛ در تفسیر آیه ششم سوره حمد بیانی دارد در باب راه‌های دور و نزدیک به سوی خدا. ایشان می‌نویسد خداوند سبحان در قرآن برای نوع بشر و برای همه مخلوقات خود راهی معرفی کرده است.

براساس این نگاه، خداوند نه تنها بندگان خود را برای هدف و مقصودی آفرید، بلکه راه رسیدن به این هدف و رستگاری را نیز برای او مهیا کرده است. قادر متعال که به نیازهای مخلوقات از هرکس دیگری از جمله خود مخلوقات واقف‌تر است مسلماً در باب نیاز به هدایت آنها نیز تدبیری اندیشیده است؛ بویژه برای بشر که خلیفه الهی است و در بسیاری از مواقع به سبب شرایط روحی خاص خود ممکن است خود را در جهان تنها حس کند و دچار سرگردانی و حیرت شود.

از نگاه علامه طباطبائی، خداوند برای عموم موجودات براساس و الیه راجعون (بازگشت به سوی اوست) و نیز الا الهی الله تصیر الامور (آگاه باش که همه امور به سوی او بازمی‌گردد) راهی معین کرده و همه موجودات در مسیر خود به سمت خداوند بازمی‌گردند، اما در مورد آدمی چه؟ خداوند نسبت به موجودی که براساس تعبیر دینی خلیفه خدا روی زمین است و به نحوی آفریده شده که قادر است نه فقط براساس غرایز حیوانی‌اش، بلکه براساس خرد خود تصمیمات اخلاقی و غیراخلاقی بگیرد، چگونه راه را تعیین کرده است. آیا جز این نیست که برخی انسان‌ها به خداوند ایمان دارند و برخی به خداوند کفر می‌ورزند؟ اگر چنین است، باید پرسید این چگونه راهی است که برخی آن را بوضوح می‌بینند و برخی آن را نمی‌یابند؟ چگونه است که ابرمرد تاریخ به خدای خود می‌فرماید خداوند کورباد آن چشمی که تو را نبیند. چگونه برخی از ابنای بشر چنین آشکارا خدای خود را نظاره می‌کنند و حال آن‌که بسیاری در شک و دودلی و سرگردانی نسبت به مساله پروردگار به سر می‌برند.

علامه براساس آیه «#171؛ یا ایها الانسان، انک کادح الی ربک کدحا فملاقیه»؛ (هان ای آدمی، بدرستی که تو به سوی پروردگارت تلاش می‌کنی و این تلاش تو - چه کفر باشد و چه ایمان - بالاخره به دیدار او منتهی می‌شود) انسان‌ها نیز همگی به سوی خدا سیر می‌کنند، اما همگی از یک راه به سوی خداوند نمی‌روند، بلکه راه‌های به سوی خدا بسیار است و این راه‌های بسیار در یک تقسیم‌بندی کلی به راه‌های نزدیک و راه‌های دور تقسیم می‌شوند و صراط مستقیم در اینجا معنا می‌یابد؛ چون همان‌طور که در رسیدن به هر مقصدی، نزدیک‌ترین راه، مستقیم‌ترین راه است، در بین راه‌های رسیدن به خدا، صراط مستقیم نزدیک‌ترین مسیر است.

خداوند در جایی دیگر از قرآن به همین موضوع اشاره می‌کند در جایی که می‌فرماید: «#171؛ اَلَمْ اَعٰهْدَ الْيٰكُمۡ يٰۤاِبۡنَۤاۤ اٰدَمَ اَنْ لَا تَعۡبُدُوۡا الشَّیۡطٰنَ اِنَّهٗ لَکُمۡ عَدُوٌّ مُّبۡیۡنٌ وَّ اَنْ اَعۡبُدُوۡنِیۡ هٰذَا صِرَاطٌ مُّسۡتَقِیۡمٌ»؛ (ای بنی‌آدم آیا با تو عهد نکردم که شیطان را نپرستی که او تو را دشمنی آشکار است؟ و این که مرا پرستی که این است صراط مستقیم.)

نکته: درواقع هدایت یافتن و پیدا کردن صراط مستقیم مشروط بر استقامت آدمی برای یافتن این مسیر است؛ استقامتی که درواقع معیار آزمون الهی است و انبیاء و اولیای الهی نیز در برابر این آزمون مواجه شدند و با استقامت خود شایستگی هدایت شدن را به اثبات رساندند

علامه می‌نویسد: پس معلوم می‌شود در مقابل صراط مستقیم راه دیگری هست، همچنان‌که این معنا از آیه «#171؛ فانی قریب، اجیب دعوہ الداع اذا دعان، فلیستجیبوا لی و لیومنوا بی لعلمهم یرشدون»؛ (من نزدیکم و دعای خواننده خود را در صورتی که واقعا مرا بخواند، مستجاب می‌کنم پس باید مرا اجابت کنند و به من ایمان آورند، باشد که رشد یابند) استفاده می‌شود، چون می‌فهماند بعضی غیر خدا را می‌خوانند و غیر خدا را اجابت نموده، به غیر او ایمان می‌آورند.

بنابراین صراط‌هایی به سوی خدا هرچند بسیار است و افراد مختلف از راه‌های مختلف به پروردگار خود برسند، اما صراط مستقیم نزدیک‌ترین آنهاست. همان راهی است که هر مسلمان در هر نماز از خداوند می‌خواهد او را به آن راه هدایت کند و در این مسیر گام بگذارد و همان راه کسانی است که خداوند به آنها نعمت هدایت را عطا کرده و آنها را از گمراهی نجات داده و راز این که خداوند چرا به برخی این نعمت را عطا کرده، توجه به معنای عرفی صراط است:

و اما صراط، این کلمه از جهت معنای واژه به معنای طریق و سبیل نزدیک به هم هستند، ولی از لحاظ عرفی و اصطلاح قرآن کریم باید دانست خداوند متعال صراط را وصف استقامت توصیف کرده و سپس بیان کرده این صراط مستقیم را کسانی می‌پیمایند که خدا بر آنان انعام فرموده است.

درواقع هدایت یافتن و پیدا کردن صراط مستقیم مشروط بر استقامت آدمی برای یافتن این مسیر است؛ استقامتی که درواقع معیار آزمون الهی است و انبیاء و اولیای الهی نیز در برابر این آزمون مواجه شدند و با استقامت خود، شایستگی هدایت شدن را به اثبات رساندند. این آزمونی است که انبیای بزرگ الهی همچون ابراهیم، نوح، یوسف، اسماعیل، یحیی، موسی، عیسی(ع) و خاتم انبیاء نبی‌اعظم، حضرت رسول اکرم(ص) با آن مواجه شدند و هریک به نحوی در برابر این آزمون استقامت ورزیدند. ائمه معصوم نیز در همین مسیر قرار گرفتند و صبر امیرالمومنین و امام مجتبی(ع) در برابر ناملایمات زمانه امامت خود و نیز استقامت حسین بن علی(ع) در روز عاشورا از این نمونه است. اگر ابراهیم نبی با قبول قربانی کردن فرزند، این آزمون را سپری کرد، سالار شهیدان به چشم خود قربانی شدن اسماعیل‌های بسیاری را در راه خدا شاهد بود.

محیاسادات اصغری / جام‌جم